

علل ترجیح نمایه موضوعی با رویکرد ترکیبی در بازنمایی موضوعات فقهی

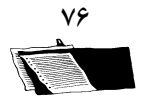
سید تقی واردی *

چکیده

این مقاله به امکان‌سنجی رویکردهای متداول در سازمان‌دهی محتوایی اطلاعات (مانند فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی)، به‌منظور نظم‌بخشی و بازنمایی موضوعات فقهی براساس اصطلاح‌نامه فقه می‌پردازد. از میان آنها نمایه‌سازی را به‌سبب بازنمایی تحلیلی و بازیابی هدفمند اطلاعات بر سایر شیوه‌های سازمان‌دهی ترجیح داده و به‌سبب کثرت و تنوع موضوعات، و فراوانی منابع و محمل‌های برون‌داد فقهی، تنها شیوه نمایه‌سازی تحلیلی - موضوعی را برای سازمان‌دهی اطلاعات و مدیریت موضوعات علم فقه معرفی می‌نماید. باوجود این، از میان رویکردهای متداول نمایه‌سازی، سه رویکرد نمایه‌سازی ساده، نمایه‌سازی درون‌بافتی و نمایه‌سازی برون‌بافتی را به‌سبب برخی معایب، برای سازمان‌دهی موضوعات علم فقه ناکافی دانسته و بر نمایه‌سازی موضوعی ترکیبی، که از ترکیب چند اصطلاح یا واژگان نمایه‌ای برای معرفی یک موضوع تشکیل شده، تأکید و به آن توصیه می‌کند. نمایه‌سازی ترکیبی را پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی ابداع و بومی‌سازی کرده است. در این روش، موضوعات کلان و خرد هر علم، از جمله علم فقه با فروع فراوانش، به‌خوبی توصیف می‌شود. همچنین، در مقام بازیابی اطلاعات آن، موجب دستیابی هدفمند و دلخواه جست‌وجوگر می‌گردد و به‌جای ارائه طریق، «ایصال‌الی المطلوب» می‌کند.

کلیدواژه‌ها

سازمان‌دهی اطلاعات، موضوعات فقهی، علم فقه، نمایه‌سازی، نمایه موضوعی ترکیبی.



مقدمه

منابع فقهی عالمان مسلمان (اعم از شیعه و غیر شیعه) در بردارنده اطلاعات و موضوعات فرعی فراوانی است. این منابع از دیرباز در اختیار مسلمانان، به ویژه محققان، مدرسان و مؤلفان قرار داشته و به عنوان گنجینه عظیم بشری مورد استفاده علمی و پژوهشی آنان بوده است. بی تردید، آنچه تا کنون در این زمینه تألیف و تصنیف شده، قابل احصا و بررسی نیست؛ چون بسیاری از آنها به چاپ نرسیده و به مرور زمان از بین رفته اند و آنها که به چاپ و نشر رسیده اند، در برخی از کتابخانه ها مهجور مانده اند و کسی از وجودشان اطلاع ندارد. همچنین، منابع قابل استفاده، به ویژه آنها که در فضاهای الکترونیکی قرار گرفته اند، آن قدر پر شمار و متنوع اند که دسترسی به همه آنها ممکن نیست. منابعی که دسترسی به آنها ممکن است نیز متأسفانه فاقد سازمان دهی محتوایی اند و بدین جهت، دستیابی به مطلب مورد نیاز در بین آنها بسیار دشوار و وقت گیر است. گرچه در سال های اخیر در داخل و خارج کشور فعالیت هایی برای سازمان دهی این منابع انجام شده است، ولی بیشتر این تلاش ها جنبه گردآوری، متن پردازی و تجمیع منابع در برنامه های نرم افزاری داشته اند تا سازمان دهی محتوایی و موضوعی. در این بین، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی (وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) اقدام ارزشمند و تحسین برانگیزی در دو دهه اخیر به عمل آورده و اصطلاحنامه فقه را تدوین و تألیف نموده است. این اصطلاحنامه در بردارنده بیش از پنجاه هزار اصطلاح فقهی به سه روش الفبایی، ترسیمی و درختی است و با استاندارد تراروس نویسی تطابق دارد. گرچه با تألیف این مجموعه، نقشه مهندسی و علمی دانش فقه را می توان ترسیم نمود، ولی تا هنگامی که این اصطلاحات به متون فقه پیوند داده نشوند و استناد محتوایی برای تک تک آنها به وجود نیاید، به سازمان دهی و نظم بخشی موضوعات فقهی کمکی نمی کند؛ چون نقش اصطلاحنامه برای سازمان دهی اطلاعات فقه، نقش قالب و ابزار است که با آن می توان موضوعات متنوع فقهی را بازنمایی نمود. بدین جهت، به خودی خود قابل استفاده نیست؛ مگر آنکه جنبه آلی داشته باشد و برای





سازمان‌دهی محتوایی منابع فقهی به کار گرفته شود. ممکن است گفته شود اگر غرض اصلی یا یکی از اغراض این اصطلاح‌نامه، ترسیم ساختار علم فقه است، چگونه گفته می‌شود جنبه آلی دارد؟ پاسخ آن است که اگر چنین سخنی پذیرفته شود، بحث دیگری است و با بحث ما منافاتی نخواهد داشت.

به همین منظور، باید در پی سازمان‌دهی محتوایی منابع فقهی و موضوعات مطرح در آنها بود و برای آن راه‌حلی پیدا کرد؛ زیرا بدون سازمان‌دهی آنها دستیابی به اطلاعات موردنظر دشوار و چه بسا ناممکن است. به گفته یکی از متخصصان علم اطلاعات، «هر مخزن اطلاعات تا زمانی که به منظور دستیابی، سازمان‌دهی نشود و برای استفاده آماده نباشد، مانند انباری پُر از اسناد است» (کلیولند و کلیولند، ۱۳۸۵: ص ۵۷).

البته، ممکن است گفته شود سرنوشت همه علوم بشری، از جمله علوم اسلامی، این چنین است و به علم فقه اختصاص ندارد، ولی باید یادآور شد که از سویی، علم فقه گسترده‌ترین علم در میان علوم اسلامی و در واقع، مادر همه علوم اسلامی است و از سوی دیگر، هریک از مسائل علم فقه فروع فراوانی دارد که بازیابی آنها تنها از طریق اصطلاحات کنترل‌شده (اصطلاح‌نامه) و همارایی آنها شدنی است و لازمه دستیابی به موضوعات فرعی فقهی تهیه چکیده یا چکیده‌نامه‌های موضوعی است که جست‌وجوگر را به موضوع دلخواه برساند. بدین جهت، مدیریت اطلاعات علم فقه اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند و تفاوت آن با علوم دیگری که چنین وسعتی نداشته و اصطلاحات آن چندان به همارایی نیاز ندارد، برای متخصصان علم اطلاعات بسیار روشن است.

ضرورت بحث

درباره اینکه چه ضرورتی اقتضا می‌کند که مدیریت اطلاعات منابع فقهی بحث و بررسی شود، کافی است به این نکته اشاره شود: علم فقه یکی از کهن‌ترین و پُردامنه‌ترین علوم اسلامی است. هزاران متن (کتاب، پایان‌نامه و مقاله) از عصر ائمه

اطهار بإحدى تا به زمان ما تصنیف و تألیف شده‌اند، ولی اطلاعات عالمان و فقیهان اسلامی درباره آنها اندک است. هر کس تعداد محدودی از منابع را در اختیار دارد یا اصولاً از آنها اطلاع ندارد و اگر اطلاع و حتی دسترسی به آنها داشته باشد، امکان استفاده بهینه برایش فراهم نیست. افزون بر این، در عصر حاضر با پیشرفت فناوری و اشاعه کتابخانه‌های الکترونیکی و دیجیتالی، منابع فقهی فراوانی در شبکه‌ها و سیستم‌های الکترونیکی انباشته شده است. این نه تنها جست‌وجوگر را در مقام بازیابی به اطلاعات دلخواه راهنمایی نمی‌کند، بلکه موجب سرگردانی و صرف وقت زیاد وی نیز می‌گردد. بنابراین، اگر اطلاعات فقهی به صورت علمی و فنی سازمان‌دهی گردد و مدیریت محتوایی منابع فقهی به وجود آید، این کاستی در ارائه اطلاعات فقهی از بین می‌رود.

بدین جهت، در ضرورت مدیریت اطلاعات منابع فقهی بحثی نیست. بحث اصلی و مهم در گزینش شیوه و روش سازمان‌دهی موضوعات فقهی است. از آنجا که تاکنون چنین کاری صورت نگرفته و آن اندازه هم که برخی از مراکز علمی انجام داده‌اند، براساس اصطلاح‌نامه نبوده، لازم است شیوه‌ها و روش‌های گوناگون سازمان‌دهی اطلاعات، به ویژه روشی که با موضوع‌یابی مسائل فقهی سازگار باشد، بررسی شود و از بین آنها، شیوه‌ای جامع و مفید به متولیان پژوهشی و آموزشی این علم گسترده‌دامن معرفی گردد.

با این هدف، تلاش بر این است که در این پژوهش، ابتدا شیوه‌های رایج سازمان‌دهی اطلاعات، مانند فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی و در بخش نمایه‌سازی، به زبان‌های نمایه‌سازی آزاد، طبیعی و کنترل‌شده اشاره گردد. آنگاه، سه روش نمایش نمایه‌سازی موضوعی (ساده، درون‌بافتی و برون‌بافتی)، به تفصیل، بحث و بررسی شود. همچنین، مزیت‌ها و معایب آنها تشریح و علل ناکارآمدی آنها برای مدیریت موضوعات فقهی روشن و شفاف گردد. سپس رویکرد دیگری که بومی‌سازی شده رویکردهای بین‌المللی است و به آن نمایه‌ موضوعی ترکیبی گفته می‌شود، بررسی و تبیین گردد. در پایان نیز با ذکر ادله و قرائن و شواهد، آن رویکرد را رویکرد مناسب بازنمایی موضوعات فقهی معرفی کرد.





۱. روش‌های سازمان‌دهی اطلاعات

بر اساس برهان سبرو تقسیم، در آغاز باید روش‌های متداول سازمان‌دهی اطلاعات، که با موضوعات فقهی نیز تناسب داشته باشد، را تعریف کرد؛ سپس ظرفیت هریک از آنها را برای تحمل وزنه‌ای سنگین (موضوعات فرعی فقهی) در ترازوی نقد گذاشت. معروف است که سه روش علمی برای سازمان‌دهی اطلاعات وجود دارد: فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی. با وجود این، برخی معتقدند نمایه‌سازی روش اصلی سازمان‌دهی اطلاعات است و فهرست‌نویسی و رده‌بندی از زیرمجموعه‌ها یا مصداق‌های آن به‌شمار می‌آیند. یکی از مؤلفان فنّ نمایه‌سازی در این باره می‌نویسد:

از آنجا که نمایه‌سازی شیوه‌های دستیابی به اطلاعات مجموعه‌ای از مدارک یا یک مدرک و یا بخش‌هایی از یک مدرک را، صرف‌نظر از محل نگهداری آن، فراهم می‌کند می‌توان گفت نمایه‌سازی روش بنیادین سازمان‌دهی دانش است و فهرست‌نویسی و رده‌بندی مصادیق آن هستند (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۹: ص ۲۰).

اما از دیدگاه دیگر، سیر تحول نمایه‌سازی حاکی از آن است که نمایه‌سازی به‌عنوان عنصر یا پدیده‌ای متفاوت و نوین در مقابل فهرست‌نویسی سنتی خودنمایی کرده است (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۹: ص ۲۰).

به هر روی، با توجه به اینکه سه روش ذکر شده به‌تنهایی می‌توانند اطلاعات یک مجموعه را سازمان‌دهی کنند، باید ظرفیت‌های آنها را برای سازمان‌دهی موضوعات فقهی سنجد و عیار آنها را معین نمود. بنابراین، لازم است از هر یک از آنها و کاربری و توانمندی‌شان شناختی به شرح ذیل داشته باشیم:

۱-۱. فهرست‌نویسی

به گفته اریک هانتز (Eric J. Hunter)، به سیاهه یا صورت اسامی مواد که برحسب طرح یا نقشه معینی منظم شده باشد، فهرست گفته می‌شود (هانتز، ۱۳۷۲: ص ۱). فهرست‌نویسی (Cataloging) به معنای «ثبت مشخصات کتاب‌شناختی کتاب‌ها برای تهیه فهرست از

آنها» است. به عبارت دیگر، فهرست‌نویسی به مجموعه مراحل گفته می‌شود که طبق روش خاصی مشخصات کتاب‌ها را جهت تهیه فهرست و استفاده، چه به صورت کتابی و چه در برگه‌دان (و در زمان ما، در محیط الکترونیکی) ثبت می‌کند (فتاحی، ۱۳۷۳: ص ۱۱).
فهرست‌نویسی به دو گونه است:

الف. فهرست‌نویسی توصیفی، که حاوی اطلاعات کتاب‌شناختی مدرک است و جنبه‌های برون‌متنی یک اثر یا سند را بیان می‌کند؛ اطلاعاتی مانند عنوان اثر، نام نویسنده، تعداد جلد، شماره جلد، ناشر، تاریخ نشر و نوبت چاپ.

ب. فهرست‌نویسی موضوعی، که یعنی «بررسی و تحلیل اثر از نظر محتوا، تشخیص و تعیین موضوع (یا موضوعات) آن و انتخاب واژه یا عبارتی (سرعنوان موضوعی یا اصطلاح‌نامه) که به بهترین وجه گویای محتوای اثر برای خواننده باشد» (فتاحی، ۱۳۷۳: ص ۸۱). به فهرست‌نویسی موضوعی، تحلیلی - موضوعی نیز گفته می‌شود. در این شیوه، با مطالعه و بررسی متن سند، موضوع یا موضوعات آن با توصیفگر (اصطلاح کنترل‌شده) بیان می‌گردد.

برای روشن‌سازی تفاوت فهرست‌نویسی توصیفی با فهرست‌نویسی موضوعی، اشاره به کتاب جواهر الکلام مفید است. هنگامی که این کتاب فهرست‌نویسی توصیفی شود و در اختیار خواننده قرار گیرد، خواننده به اطلاعات کتاب‌شناختی آن اطمینان حاصل می‌کند؛ ولی از جهت محتوایی نمی‌داند که آیا این کتاب درباره جواهرات و اشیای قیمتی است یا درباره خوب سخن گفتن و بیان زیبا است یا درباره اعتقادات و مسائل کلامی؟ در حالی که موضوع آن هیچ‌یک از اینها نیست. در اینجا نقش فهرست‌نویسی موضوعی بروز و ظهور می‌کند و فهرست‌نویس وارد عمل شده و با مطالعه و بررسی متن آن، موضوع «فقه» را برایش تعیین می‌کند. سپس برای هر مجلد، موضوع خاص آن را انتخاب می‌کند؛ مثلاً برای جلد اول، طهارت و برای جلد دوم، نماز و روزه را بر می‌گزیند.

فهرست‌نویسی (اعم از توصیفی و موضوعی) در بازنمایی و بازیابی اطلاعات





کتاب‌شناختی سودمند است و برای اطلاع و آشنایی با مدارک و مآخذ در یک حوزه تخصصی لازم و بلکه ضروری است؛ ولی برای بازیابی موضوعات و مسائل فرعی فقهی نمی‌تواند به کاربر کمک چندانی کند و از این جهت، کارآمد نیست؛ زیرا بازیابی اطلاعات در فهرست‌نویسی توصیفی از طریق نام نویسنده یا ناشر یا مترجم یا عنوان یا سال نشر و امثال آن است. اگر موضوعی هم برای آن ثبت کرده باشند، موضوع کلی‌ای است، مانند فقه، کلام اسلامی و علوم قرآن. اما موضوعات فرعی و جزئی، به‌ویژه اصطلاحات هم‌ارایی شده (مثل آب جاری متصل به نهر، آب خرمای جوشیده، اتحاد نماز امام و مأموم، ولایت فقیه در وصیت بلاوصی) در آن بازنمایی نمی‌گردد تا امکان بازیابی آن باشد؛ در حالی که منابع فقهی سرشار از موضوعات فرعی و مسائل تُخردی است که برای فقیهان و مجتهدان و همچنین مکلفان، موضوعیت دارد.

بدین جهت، فهرست‌نویسی توان تنظیم و مدیریت محتوایی موضوعات فرعی فقهی را ندارد، ولی برای اطلاع کتاب‌شناختی و همچنین تنظیم موضوعات کلی نه‌تنها مفید، بلکه برای منابع فقهی لازم و ضروری است. البته، متأسفانه جای این نوع فهرست‌نویسی خالی است.

۱-۲. رده‌بندی

رده‌بندی (Classification) یکی از شیوه‌های تنظیم اطلاعات و طبقه‌بندی معلومات است که پیشینه‌ای به قدمت تمدن آدمی دارد. ارسطو در سده چهارم پیش از میلاد، نخستین کسی بود که به رده‌بندی دانش توجه کرد و تقسیماتی را بنیان نهاد که در طول سده‌ها نفوذی عمیق یافت (ابرامی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۴). در سال ۱۸۷۶ میلادی ملویل دیویی (Melvil Dewey) با الهام از رده‌بندی‌های گذشته، طرحی نو ریخت و رده‌بندی ده‌دهی را به‌وجود آورد. او دانایی انسان را به ده رده و هر رده را به ده بخش و هر بخش را به ده بخش فرعی تقسیم کرد و پایه هزار موضوع را بنا نهاد (ابرامی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۶). در آغاز سده بیستم میلادی، کتابخانه کنگره آمریکا به سبب حجم روزافزون منابع اطلاعاتی خود، ناگزیر به ایجاد نظامی نوین شد و طرح جدیدی را پایه‌گذاری کرد که به رده‌بندی

کنگره معروف شده است (ابرامی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۹). هم‌اینک این دو شیوه رده‌بندی بر کتابخانه‌های مهم دنیا حاکم است.

اریک هانتز درباره مفهوم رده‌بندی می‌نویسد: «رده‌بندی به معنای کنار هم قرار دادن اشیا براساس خواص یا ویژگی‌های مشترک آنهاست» (مارسلا و مالت بای، ۱۳۸۶: ص ۲۰).
بنابر استاندارد بین‌المللی BS ISO 25964-2، رویکرد اصلی رده‌بندی، سازمان‌دهی مفاهیم در قالب رده‌ها است. سپس رده‌ها به رده‌های اخص تقسیم می‌شوند و این رده‌ها هم به رده‌های اخص بیشتری تقسیم می‌شوند تا به سطح جزءنگری مورد نیاز دست یابیم (مؤسسه استاندارد بریتانیا، ۱۳۹۲: ص ۱۰۱).

گرچه بیشترین استفاده از رده‌بندی برای طبقه‌بندی جانداران است، ولی از این شیوه در علوم، از جمله علوم اسلامی نیز استفاده می‌شود. مثلاً اگر واژه‌هایی مانند توحید، حج، صداقت، معاد، زکات، امامت، نماز، هم‌نشینی و ملایمت در جایی وجود داشته باشد، از طریق شناسایی ویژگی‌های مشترک آنها، همه را می‌توان در سه رده الفبایی به شرح ذیل طبقه‌بندی نمود:

الف. اخلاق اسلامی

صداقت

ملایمت

هم‌نشینی

ب. علم فقه

حج

زکات

نماز

ج. علم کلام

امامت

توحید

معاد





رده‌بندی به‌طور کامل جنبه‌هایی از ویژگی‌ها و خصوصیات رشته را به‌نمایش می‌گذارد. تئوری و جنبه‌های عملی آن در دانشگاه تدریس می‌شود که دارای پژوهش نظری است و ایده‌هایی را از رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی، علم رده‌بندی، معرفت‌شناسی، مطالعات استفاده‌کنندگان کتابخانه، زبان‌شناسی، منطق و ریاضیات می‌گیرد (مارسلا و مالت بای، ۱۳۸۶: ص ۱۸۶)

در واقع، رده‌بندی روشی برای طبقه‌بندی کتاب‌ها و منابع یک علم یا علوم است، نه محتوا و اصطلاحات یا موضوعات یک علم. بدین جهت، اگر پرسیده شود که آیا این شیوه در سازمان‌دهی موضوعات فقهی می‌تواند کمکی نماید، بی‌تردید پاسخ منفی است؛ ولی در دسته‌بندی منابع اطلاعاتی و همچنین در تنظیم اصطلاحات و تعیین جایگاه هر یک از اصطلاحات در رده و طبقه خود می‌تواند کارساز باشد. کیولند ناکارآمدی رده‌بندی در نمایه‌سازی را مورد تشکیک قرار داده است. او می‌نویسد:

اما نمایه‌های عمومی که رده‌بندی می‌شوند، موجب سردرگمی استفاده‌کننده می‌گردند. علت این امر اساساً آن است که آنها درک نمی‌کنند این نمایه‌ها چگونه درست شده‌اند. نمایه‌ها باید کاربرمدار باشند؛ درحالی که بیشتر استفاده‌کنندگان در استفاده از نمایه‌های رده‌ای دچار مشکل می‌شوند. ذهن استفاده‌کنندگان، حتی افراد خبره یک حوزه، که باید با تجزیه سلسله‌مراتبی واژگان حرفه خود آشنا باشند، با نظم الفبایی آشنا است (کیولند و کیولند، ۱۳۸۵: ص ۹۴).

بدین جهت، باوجود اینکه رده‌بندی در تدوین اصطلاح‌نامه‌های تخصصی تأثیر بسزایی دارد، ولی در بازیابی موضوعات و مسائل فقهی، کارآمدی چندانی نمی‌توان از آن انتظار داشت و آن را به‌عنوان راه‌حل موفق نمی‌توان معرفی کرد. از این‌رو، ناگزیر باید درپی راهکار دیگری رفت.

۱-۳. نمایه‌سازی

«نمایه»، از مصدر «نمودن» یا «نماییدن»، به‌معنای نشان دادن، نمایش دادن و راهنمایی

کردن است (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۹: ص ۱۹). در حوزه علم اطلاعات و کتابداری به عمل «تحلیل مدرک از طریق تشخیص، گزینش و تخصیص واژه‌ها، اصطلاح‌ها یا توصیفگرها به محتوای موضوعی مدرک که موجب تسهیل و تسریع بازیابی مدارک معین یا بخش‌های خاصی از اطلاعات می‌شود» (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۹: ص ۲۰)، «نمایه‌سازی» (Indexing) گفته می‌شود. «نمایه‌ساز» کسی است که عمل نمایه را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، نمایه‌سازی فرایند ساختن نمایه است و نمایه‌ساز فردی است که نمایه‌سازی می‌کند (کلیوند و کلیوند، ۱۳۸۵: ص ۱۳).

درباره اهمیت نمایه گفته‌اند: نمایه سیاهه، ضمیمه یا تنظیم دوباره فهرست مندرجات نیست؛ بلکه پیشینه دانش متمایزی است که اعتبار و ثبات درونی خاص خود را دارد. ایده‌ها و افکار به صورتی درهم‌تنیده و تودرتو به هم مربوط شده‌اند. به همین دلیل است که می‌گوییم این پیشینه دانش مستقل، به آثار اطلاعاتی مربوطه ارزش مضاعفی می‌بخشد (کلیوند و کلیوند، ۱۳۸۵: ص ۱۷).

در نمایه‌سازی می‌توان موضوعات هر علم، از جمله علم فقه را به گونه‌ای بازنمایی نمود که در مرحله بازیابی، هر کاربر بتواند در کوتاه‌ترین زمان به اطلاعات موردنیاز خود دسترسی پیدا کند. در واقع، این هنر و قابلیت نمایه‌سازی است که کاربر برای بازیابی اطلاعات، وقت بسیار کمی صرف کند و موفقیت بیشتری به دست آورد. اگر واقع‌نگر باشیم، متوجه خواهیم شد که تنها راه مدیریت اطلاعات و موضوعات فقهی، نمایه‌سازی منابع مهم فقه است. با این عمل چالش بزرگ دسترسی به اطلاعات این علم عظیم را می‌توان برطرف و راه را بر همگان هموار کرد. به هر روی، اگر بنا بر نمایه‌سازی موضوعات فقه باشد، ناگزیر باید زبان‌ها، شیوه‌ها و نوآوری‌های نمایه‌سازی نیز بررسی و درباره‌شان تصمیم‌گیری شود. به همین جهت، هریک از موارد ذکرشده به روشنی تبیین و مصداق مقبول با برهان و مثال معرفی می‌گردد.

۱-۳-۱. زبان‌های نمایه‌سازی

اگر منابع فقهی برای یافتن موضوعات فرعی فقهی نمایه‌سازی شوند، نخستین پرسشی





که درباره‌شان مطرح می‌شود، آن است که باید با چه زبانی نمایه‌سازی شوند؟ منظور از زبان نمایه‌سازی (Indexing Language) در نظام‌های اطلاع‌رسانی، زبان‌های رایج بین قومیت‌ها نیست؛ بلکه به زبان ساختگی و قراردادی‌ای اطلاق می‌شود که برای مقاصد نمایه‌سازی به‌ویژه قابلیت بازیابی اطلاعات و مدارک به‌کار گرفته می‌شود. به‌طور کلی، زبان نمایه‌سازی می‌تواند استاندارد را فراهم کند که هم نمایه‌ساز و هم کاربر و جست‌وجوگر از آن استفاده کنند. به‌گفته‌ی جنیفر راولی (Jennifer E. Rowley)، «زبان نمایه‌سازی، زبانی است که برای توصیف موضوع یا سایر جنبه‌های اطلاعات یا مدارک در نمایه به‌کار می‌رود» (راولی، ۱۳۷۴: ص ۹۱). زبان نمایه‌سازی برای ایجاد هم‌زبانی بیشتر بین تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان اطلاعات نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۹: ص ۳۶). در واقع، بین نمایه‌ساز (که اطلاعات را با ابزاری نمایه می‌کند) و جست‌وجوگر (که در پی یافتن اطلاعات موردنیاز خود است) از طریق زبانی مشترک ارتباط برقرار می‌شود. به این زبان، زبان نمایه‌سازی گفته می‌شود. به‌طور کلی، زبان‌های نمایه‌سازی سه دسته‌اند: آزاد، طبیعی و کنترل‌شده.

۱-۳-۱-۱. زبان آزاد

ماهیت زبان نمایه‌سازی آزاد (Free Language) آن است که هر واژه یا اصطلاح مناسب موضوع را می‌توان به‌عنوان واژه‌ای موضوعی در نظر گرفت (راولی، ۱۳۷۴: ص ۹۳). بدین جهت، در نمایه آزاد، نمایه‌ساز مقید به متن محتوا نیست و از هر توصیف‌گری که خود می‌پسندد، انتخاب می‌کند؛ حتی از اعداد، اشکال و علائم رمزی. این روش ممکن است توسط انسان انجام گیرد یا رایانه.

نمی‌توان گفت این نوع نمایه ناکارآمد است. چه‌بسا کارآمدی بالایی برای برخی اغراض بشری داشته باشد. مثلاً برای مراکز امنیتی و اطلاعاتی، که طبقه‌بندی اطلاعات‌شان سری و محدود است و دریافت‌کنندگان شناخته شده‌ای دارند، می‌تواند مفید باشد؛ اما برای سازمان‌دهی اطلاعات علوم انسانی و اسلامی که اطلاعات غیرسری دارند و هدف اصلی نمایه‌سازی آنها دسترسی آزاد افراد به موضوعات است،

کارآمدی اش اطمینان آور نیست. بدین جهت، برای نمایه‌سازی منابع فقهی توصیه نمی‌گردد؛ چون منابع فقهی سرشار از اصطلاحات اصلی و فرعی‌ای است که تنها از طریق آنها می‌توان به موضوعات مورد نظر دسترسی پیدا کرد. هم‌اینک اصطلاح‌نامه فقه با بیش از پنجاه هزار اصطلاح فقهی تهیه و تدوین شده است. آیا می‌توان برای هر یک آنها یک علامت یا یک شکل یا واژه‌ای غیر از واژگان اصطلاح‌نامه‌ای تعریف کرد؟ علاوه بر این، افراد استفاده‌کننده از این منابع در یک سازمان یا حوزه یا عصر خاص نیستند که با هم توافق کنند که مثلاً به جای اصطلاح «نماز»، فلان شکل آورده شود. برای نمونه، کتاب فقهی - استدلالی مکاسب شیخ انصاری، که هر سطر آن حاوی اصطلاحات و حتی موضوعات متعددی است، را چگونه می‌توان با واژگان یا اعداد و اشکال تنظیم یا نمایه‌سازی نمود؟ مثلاً ایشان می‌فرماید: «[المسألة] الثامنة عشر: الكذب حرام بضرورة العقول والأديان، ويدل عليه الأدلة الأربعة، إلا أن الذي ينبغى الكلام فيه مقامان: أحدهما - في أنه من الكبائر. الثاني - في مسوغاته» (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ص ۱۱).

ایشان در اینجا چند موضوع را بیان می‌نماید: ۱. حرمت تکسب به کذب؛ ۲. قبح کذب به ضرورت عقل و در نگاه ادیان؛ ۳. ادله شرعی حرمت کذب؛ ۴. گناه کبیره بودن کذب؛ ۵. مسوغات کذب. تصور اینکه چنین مطالبی را با نمایه آزاد بتوان بازنمایی نمود، بسیار مشکل و در عمل و اجرا ناممکن است. حال، اگر بنا بر نمایه هزار جلد کتاب دیگر همانند مکاسب باشد و همه را بخواهند به همین نحو نمایه کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ بی‌تردید، به کتاب قطوری نیاز است که در آن تعریف شود فلان علامت، برای مفهوم کذب است و فلان شکل برای حرمت کذب و فلان تصویر برای مسوغات کذب و امثال آن. از این امر می‌توان به «اکل از قفا» تعبیر کرد.

۱-۳-۲. زبان طبیعی

در زبان طبیعی (National Language)، نمایه‌ساز مقید به توصیف‌گری است که در متن منبع و مدرک آمده باشد و تخطی از زبان مدرک جایز نیست. خصوصیت بارز این زبان، فقدان واژگان کنترل‌شده (یا همان اصطلاح‌نامه) است.





استفاده از این زبان مزایا و معایبی دارد. به گفته کیولند، «تعدد واژگان، بیان احساسات و بیانات را به صورتی عمیق ممکن می‌سازد و برای انسان‌ها توانایی ارتباط در سطحی بالا فراهم می‌آورد، اما دارای پیچیدگی معنایی نیز هست که خود موجب اشتباه در درک و فهم می‌گردد» (کیولند و کیولند، ۱۳۸۵: ص ۶۷).

معضل اصلی نمایه‌سازی با زبان طبیعی، ناهمگون بودن برخی از مفاهیم اصطلاحات با تعبیری است که مؤلف در متن سند آورده است؛ زیرا مؤلف گاهی از استعاره یا کنایه یا ضمیر و رموز کلامی استفاده می‌کند که اگر همان عبارت وی نمایه شود، نمایه درستی به عمل نمی‌آید و آدرس اشتباه به جست‌وجوگر داده می‌شود.

علاوه بر آن، نمایه‌سازی با زبان طبیعی در واژگان دارای اشتراک لفظی (مانند واژه «عین» در زبان عربی و واژه «شیر» در زبان فارسی) که در معانی متعدد کارایی دارند، نمی‌تواند جست‌وجوگر را به مطلب دلخواه راهنمایی کند. همچنین، در مشترک معنوی (مانند الفاظ یا القاب متعددی که برای یک مفهوم یا یک شخص به کار گرفته می‌شود)، موجب پراکنده شدن اطلاعات می‌گردد. مثلاً از ابوعلی سینا در منابع فارسی تعبیر متعددی چون حسین بن عبدالله بن سینا، ابوعلی سینا، بوعلی، بوعلی سینا، ابن سینا، شیخ‌الرئیس و رئیس‌العقلاء وجود دارد؛ در حالی که همه آنها برای یک شخص خاص است. اگر از زبان طبیعی برای نمایه‌سازی استفاده شود، باید هریک از آنها به تنهایی بازنمایی شود و در نتیجه، اطلاعات نمایه‌شده پراکنده می‌گردند.

در فقه نیز هدف از نمایه، رهنمون کردن جست‌وجوگر به مطلب یا موضوع خاص در متون فقهی است، نه ارائه اطلاعات اشتباه یا پراکنده کردن اطلاعات. مثلاً شیخ طوسی رحمته‌الله در یک صفحه از کتاب مبسوط، در بحث وجوب نیت در طهارت، از ماده «غسل» چند صورت آن را بیان نموده است: «... وضوء کانت أو غسلًا...»؛ «... إجمعت أئمة...»؛ «... إلا بعد الغسل...»؛ «... فإذا نوى بالغسل...»؛ «... بغسل الوجه في الوضوء...»؛ «... وقد غسل بعض أعضاء الطهارة...» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱: ص ۱۹). اگر هریک از این واژه‌ها بدون اصلاح و کنترل آنها، به عنوان نمایه اخذ گردد، در مقام بازیابی تنها همان

مورد آورده می‌شود و موارد دیگر که در همان مفهوم و معنا هستند، آورده نمی‌شوند. این یعنی تمام اطلاعات بازیابی نشده‌اند. علاوه بر این، کاربرد ممکن است «عَسَل» را بازیابی کند که ربطی به «عُسل» ندارد. این یعنی آدرس به او غلط داده شده است. این گونه مشکلات در منابع فقهی بی‌شمارند. اصولاً ریزش اطلاعاتی این نوع نمایه‌سازی بسیار زیاد و ملال‌آور است. اکثر برنامه‌های نرم‌افزاری فقهی موجود (در داخل و خارج کشور) براساس همین زبان تعبیه و تهیه شده‌اند. این امر سبب شده است که یافتن اطلاعات دلخواه برای جست‌وجوگر آسان نباشد. به همین جهت، به کارگیری این زبان در سازمان‌دهی موضوعات فقهی توصیه نمی‌شود.

۱-۳-۱. زبان کنترل‌شده (مقید)

در زبان کنترل‌شده (Controlled Language)، نمایه‌ساز برای بازنمایی مفاهیم استخراج‌شده از متن، از توصیفگر یا اصطلاحی استفاده می‌کند که با مفهوم مطابقت کامل داشته باشد؛ اعم از اینکه با عبارت موجود در متن وفق داشته یا نداشته باشد. بدین جهت، او مقید است واژگانی را برای نمایه برگزیند که کنترل‌شده بوده و با مفهوم موردنظر تطابق صددرصدی داشته باشد. بنابراین، وی نه متعهد به به کار گرفتن واژگانی است که در متن آمده و نه آزاد است هر اصطلاح، علامت و نشانه‌ای که خود می‌خواهد، برگزیند.

زبان کنترل‌شده در سه ابزار مدیریت اطلاعات یعنی اصطلاح‌نامه، سرعنوان‌های موضوعی و رده‌بندی پدید می‌آید. نمایه‌ساز از آن برای بازنمایی اطلاعات استفاده می‌کند و جست‌وجوگر برای بازیابی اطلاعات.

به گفته کیولند، «واژگان کنترل‌شده زبانی مصنوعی است که در آن متخصص اطلاعات مانند پلی ارتباطی بین متن و استفاده‌کننده قرار می‌گیرد. استفاده‌کنندگان باید وفق این زبان جدید جست‌وجو کنند، نه وفق زبانی که در فعالیت روزانه خود به کار می‌برند» (کیولند و کیولند، ۱۳۸۵: ص ۶۹). وی در جای دیگر می‌نویسد: «واژگان کنترل‌شده مجموعه‌ای یکدست و ثابت از واژه‌ها همراه با قواعد استفاده از آنها است که هنگام





نمایه‌سازی باید آنها را دنبال نمود. در مرحله جست‌وجو، درخواستی با استفاده از همان فهرست واژگان ثابت بیان می‌گردد» (کلیولند و کلیولند، ۱۳۸۵: ص ۶۷).

واژگان کنترل‌شده به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: طرح‌های رده‌بندی کتاب‌شناختی (مثل رده‌بندی ده‌دهی دیویی)، فهرست سرعنوان‌های موضوعی و اصطلاح‌نامه (لنکستر، ۱۳۸۸: ص ۲۵).

لنکستر دربارهٔ واژگان کنترل‌شده می‌نویسد:

واژگان کنترل‌شده نوعی ساختار معناشناختی را دربر دارند. این ساختار به‌ویژه برای موارد زیر طراحی شده است:

الف. کنترل مترادف‌ها از طریق یک واژه برتر به‌عنوان واژه استاندارد و ارجاع سایر واژه‌های مترادف به آن؛

ب. فرق گذاشتن بین کلمات هم‌نگاشت: مثلاً شیر (حیوان) اصطلاحی است که با شیر (لبنیات) تفاوت دارد؛

ج. گرد آوردن با ایجاد ارتباط بین اصطلاحاتی که معانی آنها بسیار به هم نزدیک است (لنکستر، ۱۳۸۸: ص ۲۴).

بی‌جهت نیست که برخی گفته‌اند که واژگان کنترل‌شده بسیاری از مشکلات معنایی را حل می‌کند، امکان شناسایی ارتباط‌های هم‌ریشه را فراهم می‌سازد و نقشهٔ حوزه‌های دانش را به‌دست می‌دهد (کلیولند و کلیولند، ۱۳۸۵: ص ۶۹).

۲. انتخاب زبان نمایه‌سازی منابع فقهی

پس از بیان ویژگی‌های هر یک از سه زبان نمایه‌سازی، نوبت به انتخاب یکی از آنها برای نمایه‌سازی منابع فقهی می‌رسد. باید دید که کدام یک از آنها برای بازنمایی موضوعات اصلی و فرعی فقهی مناسب است.

همان‌گونه که در ذیل نمایه‌سازی به زبان آزاد اشاره شد، امکان نمایه‌سازی موضوعات فراوان فقهی با این زبان بسیار مشکل و حتی نشدنی است.

نمایه‌سازی به زبان طبیعی که به آن جست‌وجوی متنی (Text Searching) نیز گفته می‌شود، مبتنی بر جست‌وجوی کلمات در متن است. این زبان با پیشرفت فناوری و امکان الکترونیکی کردن منابع فقهی کمک شایانی در یافتن اطلاعات موجود در متن می‌کند و استفاده از آن برای بازنمایی منابع فقهی، انکارناپذیر است. همان‌گونه که بسیاری از پایگاه‌های اطلاعاتی فقه، مانند معجم الفقه (آیت‌الله کورانی)، جامع فقه (مرکز نور) و الشاملة (اهل سنت) بر این اساس بنا شده‌اند. علاوه بر آن، پایگاه جامع نور گام‌هایی برای سازمان‌دهی معنایی نیز برداشته است. با وجود این، این زبان، همان‌گونه که در بخش نمایه به زبان طبیعی گفته شد، نمی‌تواند کاربران را به مقصود اصلی برساند که همانا یافتن موضوع دلخواه از بین موضوعات پرشمار فقهی است.

از این رو، ناگزیر باید به سمت نمایه‌سازی با زبان کنترل‌شده رفت. بیشتر مراکز سازمان‌دهی اطلاعات در علوم انسانی و تجربی همین طریق را برگزیده‌اند. به همین جهت، به نمایه‌سازی منابع فقهی به زبان کنترل‌شده، با تحفظ استفاده از جست‌وجوی متنی توصیه و بر آن تأکید می‌شود.

۳. گونه‌های نمایه‌سازی موضوعی

نمایه‌سازی انواع مختلفی دارد و به لحاظ جهتی خاص به دسته‌هایی تقسیم می‌شود. از جمله، از جهت محتوایی، دو دسته است:

۳-۱. نمایه‌توصیفی

پرداختن به ویژگی‌های اطلاعاتی غیرموضوعی یک مدرک، که معمولاً اطلاعات کتاب‌شناختی نامیده می‌شود، را «نمایه‌توصیفی» (Descriptive Profile) یا «فهرست‌نویسی» می‌گویند. در بخش فهرست‌نویسی به این نوع نمایه اشاره شد. نمونه آن نمایه‌های عنوان، نویسنده، مترجم، زبان، تعداد جلد، ناشر، تاریخ نشر، نوبت چاپ و... است.





۳-۲. نمایه تحلیلی

مطالعه و تحلیل متن سند و ثبت و ضبط یافته‌های درون‌متنی را «نمایه تحلیلی» می‌گویند (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۲).

نمایه تحلیلی (Analytical Profile) نیز دو دسته است:

الف. «نمایه واژه‌ای» (Word Index) که فقط واژگان به کاررفته در متن سند را ثبت و ضبط می‌کند. پیش از این، در زبان طبیعی (۱-۳-۱) به آن اشاره شد.

ب. «نمایه موضوعی» (Subject Index) که به موضوعات موجود در سند می‌پردازد و آنها را با استفاده از اصطلاحات کنترل‌شده ثبت و ضبط کرده و دسترسی به آنها را از طریق موضوع امکان‌پذیر می‌سازد. به گفته راولی، نمایه‌های موضوعی یک رشته مفاهیمی هستند که در آن، یک واژه یا یک عبارت موضوعی را توصیف می‌نماید که به عنوان محل دستیابی [به آن موضوع در متن سند] عمل می‌کند (راولی، ۱۳۷۴: ص ۸۴).

نمایه‌سازی تحلیلی موضوعی برای سازمان‌دهی محتوایی منابع فقهی کارساز و اثربخش است. با این روش می‌توان موضوعات کلان و خرد فقهی را شناسایی و سازمان‌دهی نمود.

۴. انواع نمایش نمایه‌ها

یکی از بحث‌هایی که در نمایه موضوعات فقهی (مانند نمایه سایر منابع علمی) باید روشن و شفاف گردد، چگونگی شیوه نمایش نمایه‌ها است. برای نمایش نمایه‌های موضوعی منابع، از جمله نمایه‌های پایان کتاب، سه روش وجود دارد: نمایه ساده، نمایه درون‌بافتی و نمایه برون‌بافتی (نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۵۳).

۴-۱. نمایه ساده

نمایه ساده (Simple Profile) نمایه‌ای است که فاقد بیانگر بوده و به صورت الفبایی تنظیم می‌یابد. در این نمایه، هر اصطلاح یا مدخلی خودش به تنهایی شناسه محسوب شده و به

جای‌نما آدرس داده می‌شود. اگر بیانگری برای آن وجود داشته باشد، خود بیانگر نیز در ردیف الفبایی شناسه قرار گرفته و به جای‌نما آدرس داده می‌شود.^۱ در نمایه ساده در مواردی که شناسه به‌تنهایی، خودش مدخل قرار گرفته است، برای جلوگیری از زیاد شدن جای‌نماها باید یک توضیحگر در برابر آن بیاید یا در مقدمه ذکر شود. در نظام نمایه ساده، به‌طور معمول بین مفاهیم، شبکه مفهومی برقرار نمی‌شود (نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۵۳). مثلاً اگر کتابی حاوی موضوعات ذیل باشد، کیفیت نمایه‌سازی آن بدین گونه است:

- آب، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۰

- آبادان (شهر)، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۶

- آبادانی، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲

- آب خالص، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷

- آبرو، ۴۵، ۸۵، ۱۲۰

- آبریان، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳

- آبشار، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲

- آبله، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲

- آب تلخ، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۵

- آب مشکوک، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۸

- آبونمان، ۴۳۳، ۴۳۳، ۴۳۴

- آبیاری، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷

- بیماری، ۸۵، ۸۶، ۸۷

۱. هر مدخل نمایه‌ای متشکل از چند جزء است که به آنها «عناصر نمایه» گفته می‌شود. عناصر نمایه عبارت‌اند از: ۱. شناسه: جزء محوری یک مدخل نمایه‌ای است و محل دسترسی به اطلاعات را در یک نظام تعریف‌شده معمولاً الفبایی نشان می‌دهد؛ ۲. بیانگر: برای اخص کردن شناسه یا نشان دادن جنبه‌های مختلف آن ایجاد می‌گردد؛ ۳. جای‌نما: عدد یا نشانه‌ای است که محل دستیابی به اطلاعات را در متن سند مشخص می‌سازد؛ ۴. ارجاع: راهنمایی از یک شناسه به شناسه دیگر یا رجوع از بیانگرهای یک شناسه به خود شناسه یا شناسه‌های دیگر (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۲۷-۵۱).





در فهرست بالا، با اینکه واژه‌هایی چون «آب خالص»، «آب تلخ» و «آب مشکوک» از بیانگرهای «آب» محسوب می‌شوند، با این حال به صورت مستقل در ردیف الفبایی خود قرار گرفته و به عنوان بیانگر واژه آب قرار نگرفته‌اند. همچنین، برای واژه «آبادان» توضیحگر «شهر» قرار داده شده است.^۱

۴-۲. نمایه درون‌بافتی

به نمایه درون‌بافتی (Inside Texture Profile)، نمایه پاراگرافی، پیوسته یا پیوسته سطری نیز می‌گویند. در این نمایه‌سازی، ساختار اصطلاحات به صورت نحوی و خطی است که به زبان طبیعی در ذیل هر شناسه قرار می‌گیرد (نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۵۴).

ترتیب نوشتن بیانگر در نمایه درون‌بافتی سطری است؛ یعنی تا جایی که سطر اجازه می‌دهد، بیانگرها ثبت شده و به جای‌نماهای خود آدرس داده می‌شوند. توالی بیانگرها تابع توالی حضور آنها در متن اصلی است. همان فهرست ذکر شده در بالا در این نوع از نمایه‌سازی به این صورت ثبت و درج می‌گردد:

- آب، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۰

آب مشکوک، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۸؛ آب خالص، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷؛ آب تلخ، ۱۲۶،

۱۲۷، ۱۳۵؛ آبشار، ۲۲۰، ۲۲۱

- آبادان (شهر)، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۶

- آبادانی، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲

- آبرو، ۴۵، ۸۵، ۱۲۰

- آبریان، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳

- آبونمان، ۴۳۳، ۴۳۳، ۴۳۴

۱. توضیحگر به واژه یا واژه‌هایی گفته می‌شود که به شناسه اضافه می‌شود تا آن را از اصطلاح مشابه دیگری که معنای دیگری دارد، متمایز سازد. توضیحگر بعد از شناسه در داخل پرانتز قرار می‌گیرد و معنای «از نظر» می‌دهد، مثل حرکت (فلسفه) / حرکت (فیزیک) (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۳۰).

- آبیاری، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷

- بیماری، ۸۵، ۸۶، ۸۷

آبله، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲

در اینجا، همان‌گونه که ملاحظه می‌نمایید، آب مشکوک، آب خالص، آب تلخ و آبشار به‌عنوان بیانگر آب در زیرمجموعه آن قرار گرفته و از ردیف الفبایی خارج شده‌اند؛ ولی بین خود آنها توالی صفحات حاکم است، نه توالی الفبایی. به همین جهت، آب تلخ که در ردیف الفبایی باید اول باشد، در ردیف سوم قرار گرفته و آب مشکوک که باید در آخر باشد، به‌سبب توالی صفحه نزدیک‌ترش در ردیف اول قرار گرفته است. همچنین، واژه آبله که باید در ردیف اصلی فهرست، جایگاه هفتم را داشته باشد، به‌عنوان بیانگر بیماری در جایگاه آخر قرار گرفته است.

۳-۴. نمایه برون‌بافتی

به نمایه برون‌بافتی (Outbound Profile)، نمایه خطی، جدا، سطری و گسسته نیز گفته می‌شود. در این نمایه، بیانگرها در بافت نحوی قرار نمی‌گیرند؛ بلکه در ذیل مدخل اصلی به‌صورت الفبایی مرتب می‌شوند. در اینجا، برخلاف نمایه درون‌بافتی، توالی صفحه‌ها مطرح نیست (نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۵۵). مثلاً همان لیست ذکرشده بدین نحو سازمان‌دهی می‌گردد:

- آب، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۰

آب تلخ، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۵

آب خالص، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷

آبشار، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲

آب مشکوک، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۸

- آبادان (شهر)، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۶

- آبادانی، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲





- آبرو، ۴۵، ۸۵، ۱۲۰
- آبریان، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳
- آبونمان، ۴۳۳، ۴۳۳، ۴۳۴
- آبیاری، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷
- بیماری، ۸۵، ۸۶، ۸۷
- آبله، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲

در این نمایه، واژه‌های آب تلخ، آب خالص، آبشار و آب مشکوک به‌عنوان بیانگرهای آب در ذیل واژه آب به‌صورت الفبایی تنظیم یافته‌اند. با این توالی، صفحه ۱۲۴ که نزدیک‌ترین صفحه به آب بوده و به آب مشکوک اختصاص یافته بود، در آخر قرار گرفته است؛ در صورتی که در نمایه درون‌بافتی در مرحله اول قرار گرفته بود. البته، ممکن است برخی از بیانگرها به‌سبب اینکه خودشان بیانگرهایی دارند، در جایگاه الفبایی به‌عنوان شناسه و مدخل اصلی قرار گیرند و بیانگرهایشان در ذیل آنها به‌صورت الفبایی مرتب گردند.

۴-۴. مزایا و معایب نمایه‌های سه‌گانه

هریک از سه روش ذکرشده (نمایه ساده، نمایه درون‌بافتی و نمایه برون‌بافتی) مزایا و معایبی دارند که در انتخاب آنها برای نمایه موضوعات فقهی می‌تواند اثرگذار باشد.

۴-۴-۱. مزایا و معایب نمایه ساده

مزیت این نمایه آن است که به‌صورت الفبایی است و هر واژه‌ای که به ذهن کاربر تبادر کند، آن را در جایگاه الفبایی می‌یابد. این موجب سرعت در بازیابی اطلاعات می‌گردد و برای همه کاربران خوشایند است. در منابع فارسی، نمایه ساده بیشتر به‌چشم می‌خورد؛ درحالی که در آنها مسائل فنی و تخصصی نیز رعایت نشده است (نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۵۳).

اما معایب آن عبارت‌اند از:

الف. فاقد بیانگر است و کاربرد نمی‌تواند با دیدن هریک از مدخل‌ها یا اصطلاحات نمایه‌ای اطمینان حاصل کند که آیا بیانگری برای آن وجود دارد یا نه.
 ب. چون از یک مدخل یا اصطلاح نمایه‌ای تشکیل می‌گردد، نمی‌تواند یک موضوع معین را تحت پوشش قرار دهد و ناگزیر باید آن موضوع در ضمن چند اصطلاح جدا از هم ثبت و درج گردد. در آن صورت، معلوم نیست که آنها با یکدیگر ارتباط دارند یا نه. مثلاً شهید اول در اللعة الدمشقية درباره زکات می‌نویسد:

كتاب الزكاة. وفصوله أربعة، الأول: تجب زكاة المال على البالغ العاقل الحر المتمكن من التصرف في الانعام الثلاثة والغلات الأربع والتقدين، وتستحب فيما تنبت الأرض من المكيل والموزون، وفي مال التجارة وأوجه ابن بابويه فيه وفي إناث الخيل السائمة ديناران عن العتيق ودينار عن غيره، ولا تستحب في الرقيق والبعال والحمير (شهید اول، ۱۴۱۱ق: ص ۴۱).

در این گفتار وی اگر نمایه عمیق و جامعی به عمل آید، لازم است واژگان ذیل برای نمایه‌سازی اخذ شوند:

- ابن بابویه، محمد بن علی
- استحباب زکات
- انعام ثلاثه
- بغال
- حمير
- خيل سائمه
- رقيق
- زکات مال
- مال التجاره
- متعلقات زکات





- مکلفین زکات

- مکیل

- موزون

- نقدین

- وجوب زکات

بی تردید، هنگامی که هریک از این واژگان بازیابی شوند، به همین آدرس راهنمایی شده و اطلاعات به درستی در اختیار کاربر قرار می گیرد. اگر دو یا چند واژه از واژگان بالا با یکدیگر بازیابی شوند، باز به این آدرس راهنمایی می شود، ولی این بار معلوم نیست به درستی آدرس داده شده و یا رهزن بوده است؛ زیرا ممکن است کسی نظر ابن بابویه درباره استجاب زکات را بخواهد و سیستم به این صفحه سند ارجاع داده باشد یا کسی نظر ابن بابویه در وجوب زکات انعام ثلاثه را بخواهد بازیابی کند و سیستم وی را به این صفحه ارجاع داده است. درحالی که ابن بابویه در این دو مورد، در این صفحه نظری نداشته و نظر وی صرفاً درباره وجوب زکات مال التجاره بوده است. همین طور ترکیب هریک از اصطلاحات بالا با دیگری ممکن است در بازیابی اطلاعات، راهنمایی درستی به دست ندهد. علاوه بر این، معلوم نیست که کدام یک از آنها بیانگر دیگری هستند.

۴-۴-۲. مزایا و معایب نمایه درون بافتی

مزایای نمایه درون بافتی عبارت اند از:

الف. بیانگرها به راحتی و بدون نیاز به اصطلاح نامه یا سرعنوان های موضوعی ساخته و پرداخته می شوند.

ب. تمام بیانگرهای لازم یک مدخل در ذیل آن گردآوری شده و اطلاعات مجموعه یکجا در اختیار کاربر قرار می گیرد. بدین جهت، جلوه زیبایی به نمایش در می آید. همین امر باعث شده این نمایه خواهان بیشتری نسبت به نمایه های دیگر داشته باشد.

ولی معایب آن عبارت‌اند از:

الف. اگر کاربر به یکی از بیانگرها و اخص‌های مدخل نیاز داشته باشد، راهی برای دسترسی وی نیست، مگر آن که از قبل بداند که این بیانگر در ذیل فلان مدخل است. چنین پیش‌ذهنیتی برای همگان، حتی برای متخصصان آن علم نیز چه بسا مشکل است.

ب. بیانگرها چون برای اخص نمودن و محدود کردن مدخل‌ها به‌وجود می‌آیند، الزامی برای کنترل واژگانی آنها نیست. بدین جهت، در قالب واژگان کنترل‌شده قرار نمی‌گیرند. در نتیجه، ممکن است به‌صورت جملات پیوسته و بلند درآمده که قابل‌بازیابی به روش سیستمی نیستند.

ج. به‌سبب چیدمان کلمات و بیانگرها پشت‌سرهم، از نظر فرمت فیزیکی غیرجذاب و خسته‌کننده است (ر.ک: راوولی، ۱۳۷۴: ص ۱۶۳).

د. دیدگاه نمایه‌سازان در بیانگر قرار دادن پدیده‌ای برای یک مدخل یکسان نیست یا ممکن است حافظه‌نمایه‌ساز برای اخص قرار دادن پدیده‌ای برای یک مدخل، وی را یاری نکند. به هر روی، اعمال سلیقه در آن اجتناب‌ناپذیر است. همین امر موجب شده که برخی پدیده‌ای را اخص یک مدخل بدانند و برخی دیگر چنین اعتقادی نداشته باشند. همچنین، ممکن است نمایه‌ساز در کتابی چنین موردی را اخص مدخل قرار دهد و در کتاب دیگر چنین نکند.

۳-۴-۴. مزایا و معایب نمایه‌برون‌بافتی

گرچه نمایه‌های درون‌بافتی و برون‌بافتی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند (نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۵۶)، ولی مزایا و معایب‌شان تقریباً یکسان است. به‌ویژه در بخش معایب، تمام اشکالات درون‌بافتی، غیر از اشکال سوم، در نمایه‌برون‌بافتی نیز خودنمایی می‌کند. علاوه بر این، چه نمایه‌درون‌بافتی و چه نمایه‌برون‌بافتی برای نمایه‌های پایان کتاب است، که به‌طور معمول چاپ و منتشر می‌شوند، نه نمایه‌سازی مجموعه‌های بزرگی چون منابع فقهی در محیط‌های الکترونیکی، که هر کدام شامل مجموعه دیگری می‌شوند.





فقه

سال بیست و پنجم، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۹۷

بدین جهات، هیچ‌یک از نمایه‌های متداول موضوعی ذکر شده کامل و بی‌عیب و نقص نبوده و برای نمایه موضوعات فقهی چندان کارساز نیستند. بدین لحاظ، برای سازمان‌دهی محتوایی منابع فقهی پیشنهاد نمی‌گردند. از این‌رو، ناگزیر باید در پی راه‌حل دیگری رفت؛ راهی که محققان پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی آن را در یکی دو دهه اخیر ابداع و بومی‌سازی نموده و براساس آن، برخی از رشته‌های تخصصی علوم اسلامی را سازمان‌دهی کرده‌اند و تجربه مثبتی از خود به‌جای گذاشته‌اند. این راه‌حل «نمایه موضوعی ترکیبی» نام دارد که با چیدن چند اصطلاح موردنیاز در کنار یکدیگر و ارجاع آن به جای‌نمای مربوط، یک نمایه شبه‌چکیده‌ای به‌دست می‌آید.

۵. نمایه ترکیبی

۵-۱. چستی نمایه ترکیبی

نمایه ترکیبی (Combined Profile) از ترکیب چند واژه نمایه‌ای برای ارائه یک مفهوم یا موضوع به‌وجود می‌آید و با استفاده از هر یک از واژه‌های آن، همان موضوع بدون ریزش اطلاعات و به‌صورت دقیق، بازیابی می‌گردد.

این نمایه را با ذکر مثالی می‌توان روشن و شفاف نمود: اگر به همان متنی که از شهید اول در سطرهای بالا ذکر شد (شهید اول، ۱۴۱۱ق: ص ۴۱)، دقت شود، می‌توان به روش نمایه ترکیبی، نمایه‌های ذیل را به‌وجود آورد:

- وجوب زکات مال بر بالغ عاقل آزاد

- وجوب زکات مال در انعام ثلاثه، غلات و نقدین

- استحباب زکات مال در نباتات، مکیل، موزون و مال‌التجاره

- وجوب زکات مال در مال‌التجاره و خیل سائمه نزد ابن‌بابویه قمی

- عدم استحباب زکات مال در رقیق، بغال و حمیر

در این نمایه‌ها، نخست، موضوع به‌درستی معلوم و روشن است و ابهامی در آن

نیست؛ دوم، تقسیمات بحث با استفاده از واژگان خاص تر به راحتی انجام می‌گیرد؛ سوم، هریک از واژگان اصلی‌ای که در ترکیب قرار گرفته‌اند و در اینجا زیرشان خط مشکی (—) کشیده شده، به تنهایی قابل‌بازیابی هستند و هنگامی که بازیابی شوند، با تمام نمایه‌های مربوط به نمایش در می‌آیند. در حقیقت، نمایه ترکیبی به ارائه طریق بسنده نمی‌کند؛ بلکه «ایصال الی المطلوب» را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد.

۵-۲. پیشینه نمایه ترکیبی

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، در داخل کشور و به زبان‌های فارسی و عربی، تاکنون چنین نمایه‌ای ارائه نشده است؛ به جز آن مقدار که پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی در شهر مقدس قم برای برخی منابع تخصصی علوم اسلامی (مانند اصول فقه، علوم قرآن، کلام اسلامی و اخلاق اسلامی) انجام داده است.

۵-۳. علل عدم اقبال از نمایه ترکیبی

این پرسش ممکن است برای خوانندگان مطرح شود: اگر نمایه ترکیبی راه‌حل مناسبی برای سازمان‌دهی اطلاعات است، چرا مراکز پژوهشی کشور، به‌ویژه مراکز علمی و پژوهشی حوزوی به آن اقدام نکرده‌اند؟ پاسخ آن است: مراکز علمی و پژوهشی دولتی به سبب پیروی از الگوهای خارجی و بومی‌سازی نکردن شیوه‌های رایج نمایه‌سازی، به همان نمایه‌سازی مرسوم اقدام کرده‌اند. آنان برای ریزش کاذب اطلاعات راه‌حل مناسبی ندارند و به حداقل‌های اطلاع‌رسانی بسنده می‌کنند. همچنین، در حوزه‌های علوم اسلامی، به‌ویژه حوزه علمی قم، که پیش‌تاز نوآوری‌های اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات است، متأسفانه هنوز ضرورت اصل نمایه‌سازی موضوعی اطلاعات برای بسیاری از تصمیم‌گیران و مدیران مراکز علمی و پژوهشی احساس نشده و آن را توجیه‌پذیر نمی‌دانند. آنانی هم که به ضرورت آن واقف و عزم بر نمایه‌سازی نموده‌اند، ذهنیتی از نمایه‌های پایان کتاب‌های رایج دارند که به‌طور معمول غیرضابطه‌مند و سلیقه‌ای است، و





محدود به همان صفحات یک کتاب است؛ در حالی که نمایه ترکیبی ضابطه مند و براساس اصطلاح نامه است. این نمایه نه تنها فراتر از یک کتاب است، بلکه قابلیت نمایه سازی مجموعه های بزرگی (مانند جواهر الکلام) و حتی منابع یک رشته تخصصی علوم اسلامی (مانند «منابع فقه») را دارد.

اما عدم اقبال از چنین نمایه ای ممکن است موارد ذیل باشد:

- الف. نمایه ترکیبی به تخصص نیازمند است (هم تخصص در نمایه سازی ترکیبی، هم تخصص در علمی که نمایه می شود و هم آشنایی با اصطلاح نامه)؛
- ب. زمان بر است: ممکن است برای نمایه عمیق یک جلد کتاب حجیم فقهی، مثل مکاسب شیخ انصاری یا مفتاح الکرامه علامه عاملی چند ماه زمان نیاز باشد؛
- ج. به ابزارهای رایانه ای و برنامه های ورود اطلاعات و جست و جو و عرضه اطلاعات هوشمند نیاز دارد؛
- د. به تخصیص بودجه و پشتیبانی مالی نیاز دارد؛
- ه. از همه مهم تر، «تفکر مدیریتی» است که برای انجام چنین کار مهمی در مجموعه باید فراهم باشد.

۴-۵. الزامات نمایه ترکیبی

اگر نمایه ترکیبی به درستی برای نمایه سازان تبیین شود و به دست افراد وارد به فنّ نمایه سازی و متخصص (یا دست کم عالم به) علم مربوط نمایه سازی گردد، بی تردید تحولی در سازمان دهی محتوایی آن علم به وجود می آید؛ همچنین، موجب دسترسی آسان و سریع به اطلاعات دلخواه در هنگام بازیابی می گردد. با وجود این، نباید فراموش کرد که انجام این نمایه الزاماتی دارد که با اهتمام به آنها می توان به چنین مقصودی دست یافت. برخی از این الزامات عبارت اند از:

الف. عامل بندی و رعایت تقدم و تأخر اصطلاحات و واژگان به کاررفته در نمایه ها: به این معنا، نمایه ساز همیشه خود را در جای جست و جوگر قرار داده

و سازوکاری برای دسترسی مستقیم وی به اطلاعات فراهم کند. بدین جهت، باید اصطلاحات و واژگان نمایه‌ای را به گونه‌ای قرار دهد که جست‌وجوگر تصور کند با چکیده‌ای مختصر روبه‌روست، نه چیدمان چند اصطلاح در کنار یکدیگر.

ب. استفاده از حروف و کلمات اضافی و پیوندی برای پیوند بین اصطلاحات و واژگان نمایه‌ای و همارایی و معنادار کردن آنها؛ همان حروف و کلماتی که به تنهایی مفهوم و معنایی ندارند: مانند آن، آنها، از، او، با، بر، بعد از، به، به‌خاطر، به‌سبب، به‌عنوان، به‌وسیله، بین، پیرامون، تا، توسط، در، درباره، در برابر، قبل از، نزد، و، وی، ی، یا. البته، چنین حروف و کلماتی در اصطلاح‌نامه جایگاهی ندارند. بدین جهت، در بازیابی اطلاعات به‌کار گرفته نمی‌شوند و تنها برای پیوند بین اصطلاحات و چکیده‌نما شدن نمایه‌ها از آنها استفاده می‌شود.

ج. استفاده از نرم‌افزاری که براساس اصطلاح‌نامه برنامه‌نویسی شده باشد: در این صورت، ارجاعات به‌درستی انجام می‌شود و روابط بین اصطلاحات نیز مشخص می‌گردد.

۵-۵. مزایای نمایه ترکیبی

نمایه ترکیبی از تمام مزایای نمایه‌های ساده، درون‌بافتی و برون‌بافتی بهره‌مند است؛ ولی هیچ‌یک از معایب آنها را ندارد. علاوه بر آن، مزایای دیگری به شرح زیر دارد:

الف. زمان جست‌وجوی موضوع دلخواه را به حداقل می‌رساند؛

ب. جست‌وجوگر را با موضوعات زیرمجموعه اصطلاح موردنظر آشنا می‌کند؛

ج. موضوعات مرتبط با اصطلاح موردنظر را به‌صورت الفبایی به‌نمایش می‌گذارد؛

د. بسامد بحث‌های مؤلفان در موضوع خاص یا موضوعات متعدد را نشان می‌دهد. به

این معنا، با نگاه به نمایه‌های زیرمجموعه اصطلاح موردنظر، می‌توان به‌دست





آورد که بیشترین مباحث مؤلفان در چه جنبه‌هایی از آن اصطلاح بوده و چه جنبه‌هایی مغفول مانده و به بررسی نیاز دارد. این مزیت را با مثالی می‌توان روشن تر نمود:

اگر در همان کلام شهید اول که در صفحات پیشین مرور شده و برای آن نمایه‌سازی ترکیبی به عمل آمده بود، مدخل «زکات مال» انتخاب و جست‌وجو شود، این نمایه‌های چکیده‌نما به‌نمایش در می‌آیند:

- وجوب زکات مال بر بالغ عاقل آزاد

- وجوب زکات مال در انعام ثلاثه، غلات و نقدین

- استحباب زکات مال در نباتات، مکیل، موزون و مال‌التجاره

- وجوب زکات مال در مال‌التجاره و خیل سائمه نزد ابن‌بابویه قمی

- عدم استحباب زکات مال در رقیق، بغال و حمیر

اگر منابع فقهی دیگر نیز بحث زکات مال را مطرح کنند و آنها نیز به همین صورت نمایه‌سازی شده باشند، همین بحث‌ها در منابع دیگر آدرس داده می‌شوند. همچنین، بحث‌های دیگری که در آن منابع با این مدخل مطرح شده است، آدرس دهی می‌شوند. مثلاً:

- آیه ۱۰۳ سوره توبه درباره وجوب زکات مال و کیفیت دریافت آن

- حکمت وجوب زکات مال بر مسلمانان

- اتفاق نظر شیعه و اهل سنت در وجوب زکات مال

- زکات مال در مسیحیت و یهودیت

- علل امتناع از پرداخت زکات مال

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، جست‌وجوگر که در پی بحث زکات مال بود، با بازیابی آن در این سیستم، با بحث‌های تازه و زیادی از زکات مال مواجه می‌شود که هنگام جست‌وجوی اطلاعات تصور آنها را نداشت. در واقع، نمایه ترکیبی ارزش افزوده‌ای را در اختیار کاربر قرار داده و دانش‌های تازه‌ای را برایش گشوده

است. از این طریق، می‌توان بسامد هریک از موضوعات فقهی را بین منابع فقهی به دست آورد.

اگر اصطلاح دیگری از اصطلاحات به کاررفته در همان متن قبلی جست‌وجو شود، نمایش آن به همین صورت خواهد بود. مثلاً اگر واژه «انعام ثلاثه» جست‌وجو شود، یک نمایه از همین نمایه‌های بالا به نمایش در می‌آید:

- وجوب زکات مال در انعام ثلاثه، غلات و نقدین

بی‌تردید، اگر منابع دیگری بحث انعام ثلاثه را مطرح کنند، بازنمایی و بازیابی به همین روال، انجام می‌شود.

به هر روی، با این شیوه نمایه‌سازی می‌توان بر معضلاتی چون انفجار اطلاعات و ریزش کاذب در ذخیره و بازیابی اطلاعات غلبه کرد و آن را به نحو علمی مدیریت نمود. نمایه‌سازی ترکیبی چکیده‌نما برای مدیریت اطلاعات منابع علمی فقیهان به قصد یافتن موضوعات تُخرد و کلان فقهی، بهترین راه‌حل است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

منابع فراوان فقهی نیازمند مدیریت اطلاعات و تنظیم هوشمند موضوعات‌اند؛ چون علاوه بر نشر مکتوب، با پیشرفت فناوری، نشر الکترونیکی‌شان نیز شتاب گرفته است. برای چنین منظوری، سه روش فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی قابل‌تصور است. در این میان، روش نمایه‌سازی راه کامل‌تر و اطمینان‌بخش‌تری است. از بین سه زبان نمایه‌سازی (آزاد، طبیعی و کنترل‌شده) نیز زبان کنترل‌شده که از اصطلاح‌نامه پیروی می‌کند، ارجح و کارسازتر است. باید اذعان کرد که اگر سه روش نمایه‌سازی موضوعی (ساده، درون‌بافتی و برون‌بافتی) در نمایه‌های مکتوب پایان کتاب‌ها به‌درستی عمل شوند، می‌توانند مفید قرار گیرند؛ باوجود این، چنین فایده‌ای برای نمایه‌های الکترونیکی (که امروزه در مجموعه‌های بزرگ چندصدجلدی یا چندهزارجلدی قرار دارند) نمی‌توان تصور کرد و باید در پی راه‌حل بهتری بود.



رویکرد مطلوب در نمایه‌های تخصصی عظیم، مانند منابع فقهی، رویکردی است که به عللی مغفول مانده یا هنوز برای تصمیم‌گیرندگان سازمان‌دهی اطلاعات به‌درستی معرفی نشده است. این رویکرد «نمایه‌سازی موضوعی ترکیبی» نام دارد و از ترکیب اصطلاحات و واژگان نمایه‌ای برای ساخت یک نمایهٔ چکیده‌نما یا در واقع، برای ایجاد یک دانش جدید به‌وجود می‌آید. چنین نمایه‌ای ظرفیت سازمان‌دهی محتوایی منابع فقهی و بازنمایی موضوعات فرعی فقهی براساس اصطلاح‌نامه فقه را دارد.



فقه

کتابنامه

۱. ابرامی، هوشنگ (۱۳۷۹)، شناختی از دانش‌شناسی، به کوشش رحمت‌الله فتاحی، چاپ سوم، تهران: کتابدار.
۲. انصاری، مرتضی‌بن محمدامین (۱۴۲۰ق)، کتاب المکاسب، چاپ سوم، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۳. راولی، جنیفر (۱۳۷۴)، نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، ترجمه جعفر مهرداد، چاپ نخست، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. شهید اول (محمدبن جمال‌الدین مکی عاملی) (۱۴۱۱ق)، اللعة الدمشقیة، چاپ نخست، قم: دارالفکر.
۵. شیخ طوسی (محمدبن حسن) (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیة، تصحیح و تعلیق سید محمدتقی کشفی، چاپ سوم، تهران: مرتضویه.
۶. فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۷۳)، فهرست‌نویسی - اصول و روش‌ها، ویراسته اسدالله آزاد، چاپ نخست، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۷. کلیوند، دونالد بی؛ آنادی کلیوند (۱۳۸۵)، درآمدی بر نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، ترجمه سید مهدی حسینی، چاپ نخست، تهران: چاپار.
۸. لنکستر، اف. دبلیو (۱۳۸۸)، نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، ترجمه عباس گیلوری، چاپ دوم، تهران: چاپار.
۹. مارسلا، ریتا؛ آرتوی مالت بای (۱۳۸۶)، آینده‌ده‌بندی، ترجمه زهرا ابادری و فهیمه باب‌الحوائجی، چاپ نخست، تهران: چاپار.
۱۰. مؤسسه استاندارد بریتانیا (۱۳۹۲)، اطلاعات و مستندسازی، ترجمه زهرا ده‌سرایبی و نسیم قیاسی، چاپ نخست، تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
۱۱. نوروزی، علیرضا (۱۳۹۳)، نمایه‌سازی کتاب، ویرایش دوم، چاپ دوم، تهران: چاپار.
۱۲. نوروزی، علیرضا؛ خالد ولایتی (۱۳۸۹)، نمایه‌سازی موضوعی: نمایه‌سازی مفهومی، چاپ نخست، تهران: چاپار.
۱۳. هاتر، اریک (۱۳۷۲)، فهرست‌نویسی کامپیوتری، ترجمه جعفر مهرداد و مجید آذرخش، چاپ نخست، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

